

تأثیر پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS) بر محافظه کاری غیرشرطی: مطالعات تجربی در اسپانیا

سحر بخشی^۱، علیرضا صالحی امین^۲

^۱ دانشجوی ارشد حسابداری موسسه آموزشی غیرانتفاعی مهرآستان واحد آستانه اشرفیه.

^۲ مدرس مدعو گروه حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، دانشجوی دکتری حسابداری.

نام نویسنده مسئول:

علیرضا صالحی امین

چکیده

این مقاله اثر پذیرش استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS) بر محافظه کاری غیرشرطی را بررسی نمود. عدم استحکام مطالعات قبلی، تجزیه و تحلیل این موضوع از دیدگاه های مختلف برای اصلاح معایب روش شناسی این بحث را توجیه می کند. تأکید این مطالعه روی روش های Ahmed و Duellman، است. این محققان، از طریق کنترل عوامل منحصر به فرد که تحقیقات گذشته شرایط این نوع محافظه کاری را مطرح نموده اند، به تأثیر گزینه های رشد و درآمدهای آتی توجه داشته اند. نتایج نشان می دهد که پذیرش IFRS در کشورهایی همچون اسپانیا تأثیری بر محافظه کاری غیرشرطی نداشته است.

واژگان کلیدی: محافظه کاری غیر شرطی، محافظه کاری ترازنامه ای، استانداردهای گزارشگری مالی بین المللی (IFRS)، گزینه های رشد و منافع های آتی^۲

^۱ International Financial Reporting Standards

^۲ Growth Options and Future Incomes

مقدمه

از ژانویه سال ۲۰۰۵، شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار عضو اتحادیه اروپا مجبور به اتخاذ استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی (IFRS) در صورتهای مالی شدند. این اجبار که هدفش هماهنگ سازی سیستم های حسابداری اعضای کشورهای عضو اتحادیه بود، شاید یکی از مهمترین رویدادهای اخیر به دنبال شفافیت و کیفیت حسابداری برای شرکتهای اروپایی باشد. بر اساس این فرضیه که محافظه کاری حسابداری تحت تاثیر قواعد حسابداری قرار دارد، تغییر از " اصول عمومی پذیرفته شده ی حسابداری " کشورهای^۳ (GAAP) به IFRS توانسته است تاثیر قابل توجهی بر محافظه کاری حسابداری داشته باشد. این واقعیت، مربوط بودن مطالعات تجربی را که نتایج این تغییر هنجاری را برای متخصصان، دانشگاهیان و سیاست گذاران تجزیه و تحلیل نموده اند، توجیه می نماید. اگرچه مفهوم محافظه کاری نقش مهمی در ادبیات حسابداری بازی می کند (Basu, 1997; Watts, 2003; and Ball et al, 2013)، اما تعریف واحدی از آن وجود ندارد و مربوط به صورت حساب سود و زیان و ترازنامه شرکتهای است. Givoly و همکاران (سال ۲۰۰۷)، به تعریف کلی محافظه کاری ارجاع می دهند که توسط^۴ (FASB) (هیئت استانداردهای حسابداری مالی) در واژه نامه بیانیه مفاهیم شماره دوم به این شرح ارائه شده است: " محافظه کاری یک نوع واکنش منطقی به عدم اطمینان است که سعی دارد عدم قطعیتها و مخاطرات طبیعی در محیط مؤسسه را به طور مناسب در نظر گیرد". اخیراً در تحقیقات حسابداری مفهوم محافظه کاری به دو شکل محافظه کاری شرطی و غیر شرطی مطرح شده است (Beaver, 2005; and Ryan, 2005; Ball and Shivakumar, 2005). محافظه کاری شرطی به دیدگاهی اشاره دارد که اخبار بد را سریعتر از اخبار خوب منعکس می نماید بدین معنی که ارزش دفتری خالص داراییها در شرایط نامساعد کاهش می یابد، اما در شرایط مساعد افزایش نمی یابد. استفاده از روش اقل بهای تمام شده یا ارزش بازار برای ارزشیابی موجودی کالا و سرمایه گذاریهای کوتاه مدت و کاهش ارزش داراییهای بلندمدت و نامشهود نمونه هایی از محافظه کاری شرطی هستند. به این نوع محافظه کاری، محافظه کاری سود و زیانی (Basu, 1997; Ball et al, 2000)، محافظه کاری پس رویدادی (Pop and Walker, 2003, Richardson and Tinaikar, 2004)، محافظه کاری وابسته به اخبار بد (Chandra et al, 2004) نیز می گویند.

محافظه کاری غیرشرطی (Givoly et al, 2007; Watts, 2003; and Beaver and Ryan, 2005)، که شامل گرایش به اخبار مستقل و منظم برای ارزشگذاری کمتر خالص دارایی های شرکت (یعنی ارزش ویژه) از طریق سیاستها و روشهایی محافظه کارانه می باشد و محافظه کاری شرطی (Basu, 1997) اشاره به درجه بالای احتیاط لازم برای شناسایی اخبار خوب (یعنی سودها) در برابر اخبار بد (یعنی زیانها) دارد. تحقیقات نشان داده اند که محافظه کاری غیر شرطی ممکن است بدلائل مقاصد مالیاتی، دعاوی حقوقی و منافع شخصی مدیران افزایش یابد (Cano-Rodriguez, 2010) که در اینصورت پیامد آن، کاهش کیفیت اطلاعات حسابداری خواهد بود. برای مثال محافظه کاری غیر شرطی ممکن است به موجب آزادی اختیار مدیران جهت استفاده از روشهای گوناگون استهلاک یا ارزشیابی موجودیها به منظور رسیدن به اهداف فرصت طلبانه مدیران صورت گرفته باشد. بنابراین محافظه کاری غیرشرطی ممکن است کیفیت اطلاعات حسابداری را تحریف و به تصمیمات اقتصادی ناکارآمد منجر شود (Ball and Shivakumar, 2005).

در این مقاله، تمرکز بر تجزیه و تحلیل تاثیر اجرای IFRS روی محافظه کاری غیرشرطی است. دلایلی که باعث شده است تمرکز بر محافظه کاری غیرشرطی باشد چند مورد است: اولاً انتظار می رود که با توجه به نفوذ قابل توجهی که قوانین مالیاتی بر محافظه کاری غیرشرطی دارند، سطح بالایی از محافظه کاری غیرشرطی قبل از تصویب IFRS در سیستم های حسابداری نظیر اسپانیا وجود داشته باشد. دوم، تأثیر منفی که محافظه کاری غیرشرطی بر کیفیت اطلاعات حسابداری دارد در مقایسه با محافظه کاری شرطی که آزادی عمل برای مدیریت سود را کاهش می دهد (Dechow et al, 2010). سوم، شواهد تجربی در مورد تمایز بین محافظه کاری غیرشرطی و شرطی نشان می دهد که در شرایطی که محافظه کاری شرطی همراه با محافظه کاری غیرشرطی بالای مورد انتظار باشد، یک سطح نسبتاً پایینی از محافظه کاری شرطی در سیستم های حسابداری پیش بینی می شود. نوبل در سال ۱۹۹۸ شواهدی را نشان می دهد که قبل از تصویب IFRS، هم محافظه کاری غیرشرطی و هم شرطی در بین کشورها به دلایل فرهنگی (Cieslewicz, 2013)، قانونی، ساختار سیستم مالی و سایر انگیزه های شرکت، متفاوت است. همچنین، شواهد اخیر (Kvaal and Nobes, 2010; Martínez et al., 2011; Haller and Wehrfritz, 2013; Filip and Raffournier, 2013; and Nobes and Perramon, 2013) نشان می دهد که استفاده مناسب از IFRS بین کشورهای تحت تأثیر پذیرش اصول پذیرفته شده حسابداری (GAAP) در گذشته بوده و متفاوت است. بنابراین، بررسی اثرات درست استفاده مناسب از IFRS بین کشورها، مستلزم تجزیه و تحلیل در سطح کشور است. نمونه این مطالعه، تجزیه و تحلیل اثر پذیرش IFRS بر محافظه کاری غیرشرطی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اسپانیا است که با استفاده از روشها و نمونه های مختلف، شواهد متناقضی

³ Generally Accepted Accounting Principles⁴ Financial Accounting Standards Board

گزارش می دهد. بیشتر این تحقیقات نشان می دهد که یا هیچ تغییری وجود ندارد (Garrido and Vazquez, 2011; Fullana and Toscano, 2016) یا بعد از استفاده از IFRS، افزایش در محافظه کاری تراز نامه بوجود آمده است (Callao et al, 2007; and Callao et al., 2010).

بنابراین، لازم است تا این تحلیل دقیق تر مورد بررسی قرار گیرد زیرا شواهد متناقضی در تحقیقات گذشته وجود دارد. شواهد متناقض تحقیقات قبلی را می توان با توجه به روش شناسی، از طریق انتخاب نمونه مناسب و استنتاج موقت هم از بعد کنترلی و هم مدیریتی، توضیح داد (Garcia-Osma, and Pope, 2011, and Kvaal and Nobes, 2012). تغییرات در ارزش گزینه های رشد موجود در ارزش بازار شرکت (Roychowdhury and Watts, 2007)، تغییرات در سار عوامل ناشی از قوانین حسابداری که محافظه کاری غیرشرطی و ریسک مدل را توضیح می دهد (Nobes, 1998; Ball et al., 2003; and Ding et al., 2007).

پیشینه مطالعاتی

تأثیر استانداردهای حسابداری بر محافظه کاری غیرشرطی

وات (سال ۲۰۰۳) در پژوهشی به بررسی اندازه گیری محافظه کاری غیرشرطی پرداخت؛ او عوامل مختلف مؤثر بر محافظه کاری غیرشرطی را تعیین نموده و اثر آن را روی روابط بین استفاده کنندگان مختلف اطلاعات حسابداری مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. در این پژوهش تمرکز بر روی تجزیه و تحلیل مقایسه ای اثر استانداردهای حسابداری روی محافظه کاری ترازنامه بود. بر اساس این فرضیه که استانداردهای حسابداری باعث محافظه کاری غیرشرطی می شود، در کشورهای مختلف با استانداردهای مختلف، باید درجات محافظه کاری غیرشرطی مشخص گردد. Joos و Lang (سال ۱۹۹۴) در میان تحقیقات مربوط به تفاوت اندازه گیری همزمان در محافظه کاری ترازنامه هر کشور، پیشگام هستند. این محققان در پژوهش خود محافظه کاری غیرشرطی را با استفاده از نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار^۵ (BtM) و ارزش مربوط قیمت دفتری سهام برای کشورهای اروپایی مختلف تجزیه و تحلیل نمودند: آلمان و فرانسه با یک سیستم حسابداری کانتیننتال (مبتنی بر قوانین) و انگلستان با سیستم حسابداری آنگلو ساکسون (مبتنی بر اصول). این مولفان مقدار ارزش BtM کمتر از ۱ را با محافظه کاری غیرشرطی مرتبط می دانند و چنین ارزشی را طی سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ برای سه کشور آلمان و فرانسه و اسپانیا بدست آوردند، اگرچه این مقدار برای دو کشور آلمان و فرانسه دارای سیستم حسابداری کانتیننتال بیشتر بود. بنابراین، یافته های آنها فرضیه اصلی شان را تایید می کند. Joos (سال ۱۹۹۷) محافظه کاری شرطی را فقط با استفاده از ارزش مربوط قیمت دفتری سهام برای کشورهای اروپایی مختلف تجزیه و تحلیل نمود. وی افق زمانی تحقیق را تا سال ۱۹۹۳ گسترش داد و مثل تحقیق سال ۱۹۹۴ خود و هم تیمی خود Lang نتایج مشابهی را به دست آورد.

در همین راستا، گارسیا و مورا (۲۰۰۴) محافظه کاری حسابداری را در هشت کشور اروپایی از جمله اسپانیا مورد بررسی قرار دادند. پس از آن، Hany و Givoly (سال ۲۰۰۰) محافظه کاری ترازنامه را به کار بردند و ارزش مربوط قیمت دفتری سهام را بسط دادند. یافته های آنها نتایج قبلی را تایید می کند: یعنی محافظه کاری غیرشرطی در کشورهای نمونه طی سالهای ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۰ و شدت بالاتر در کشورهایی با سیستم حسابداری کانتیننتال.

برعکس، تحقیقات متمرکز بر آزمون تفاوت محافظه کاری ترازنامه ای، بین دوره های زمانی مختلف عمدتاً در ایالات متحده آمریکا توسعه یافته اند. این مطالعات سعی نموده اند تا اثر تکامل طبیعی استانداردهای حسابداری در سیستم حسابداری انگلو ساکسون را بررسی کنند. در بین این مطالعات، Stober (۱۹۹۶) و Givoly و Hayn در سال ۲۰۰۰ شاخص تر هستند. این محققان نسبت ارزش دفتری به قیمت بازار (MtB) را به عنوان نماینده محافظه کاری غیرشرطی دانسته و دریافتند که به مدت سه دهه این ارزش بیشتر از ۱ بوده است. محققان این واقعیت را با محافظه کاری ترازنامه در بازارهای مالی ایالات متحده مرتبط دانستند، اما مشاهده کردند که محافظه کاری شرطی نه تنها با تکامل استانداردهای حسابداری در طی زمان، کاهش نیافته است بلکه افزایش یافته است.

در بین مطالعاتی که اثر تغییر در قواعد حسابداری یک سیستم حسابداری کانتیننتال روی محافظه کاری غیرشرطی را بررسی می کند، تحقیق Giner و Ress (سال ۱۹۹۹) در اسپانیا قابل توجه است. در این اثر، مولفان رابطه مرتبط بودن ارزش دفتری سهام و سود را تجزیه و تحلیل کردند و به این نتیجه رسیدند، زمانی که شرکت ها به سوی استفاده رسمی از GAAP در سال ۱۹۹۰ حرکت کردند هیچ تغییر معناداری در محافظه کاری ترازنامه رخ نداد.

⁵ Book To Market

تاثیر IFRS بر محافظه کاری غیرشرطی در اسپانیا

Callao و همکارانش (سال ۲۰۰۷) برای ۳۵ شرکت عضو بورس اوراق بهادار مادرید و Callo و همکارانش (سال ۲۰۱۰) برای شرکتهای غیر مالی عضو عمومی بورس اوراق بهادار مادرید، نسبتهای BtM حاصل از دو ارزش دفتری سهام را محاسبه و با هم مقایسه نمودند. محققان پس از محاسبه دو ارزش نتیجه گیری کردند که بر خلاف انتظارات، استفاده از IFRS، محافظه کاری ترازنامه را افزایش می دهد. در همین راستا، Garrido و Vazquez در سال ۲۰۱۱، رابطه مقطعی مربوط بودن قیمت دفتری خالص دارایی ها و سود شرکتهای عضو بازار فعال اسپانیا را برآورد نمودند و ضرایب شیب ارزش دفتری سهام را در دو حالت کنترلی و مدیریتی در صورتهای مالی برای سال ۲۰۰۴ مقایسه نمود. برخلاف انتظارات نتایج نشان داد که با بکارگیری IFRS، تغییرات قابل توجهی در محافظه کاری غیرشرطی بوجود نیامده است. Inguez و همکارانش (سال ۲۰۱۳)، از طریق داده های موجود بیشتر، رابطه مربوط بودن قیمت دفتری خالص دارایی ها و سود شرکتهای عضو بازار فعال اسپانیا را محاسبه نمودند اما این مطالعه از طریق رگرسیون با داده های تجمعی پنج سال انجام گرفت؛ یعنی پنج سال قبل و پنج سال بعد از اجرای IFRS. همچنین Serafeim و Horton (سال ۲۰۰۷) و Devalle و همکارانش (سال ۲۰۱۰)، همانطور که انتظار می رفت، به کاهش معناداری از محافظه کاری غیرشرطی دست یافتند.

علاوه بر این، Inguez و همکارانش (سال ۲۰۱۳) از نسبت BtM به عنوان شاخص محافظه کاری غیرشرطی استفاده نمودند. آنها میانگین و میانه BtM مربوط به پنج سال قبل و پس از پذیرش IFRS را مقایسه کردند. ایشان به دنبال مشاهده میانه ها، هیچ اختلاف معناداری گزارش نکردند. این شواهد همراستا با نتایج قبلی Garrido و Vazquez در سال ۲۰۱۱ است. اما، وقتی آنها میانگین ها را مقایسه کردند، شواهدی مغایر با انتظارات پیدا کردند؛ یعنی، افزایش محافظه کاری مشروط، هم راستا با شواهد مربوط به پژوهش Callao و همکارانش در سال ۲۰۰۷ و Callao و همکارانش در سال ۲۰۱۰. Fullana و Toscano در سال ۲۰۱۶، بر اساس نسبت BtM کشور، شواهدی ارائه می دهند که محافظه کاری ترازنامه ای به دلیل پیاده سازی IFRS در اسپانیا تغییر نکرده است.

در کشورهایی با سیستم حسابداری کانتیننتال مانند اسپانیا، استفاده از IFRS موجب تغییر شدید در روش های حسابداری نسبت به کاربرد قبلی از GAAP گردیده است. در این کشورها، شیوه های حسابداری بر مبنای GAAP بسیار محافظه کارانه هستند؛ بنابراین گرایش به محافظه کاری غیرشرطی در سطح بالا وجود دارد. در این زمینه انتظار می رود که انتقال از GAAP به IFRS، این اقدامات محافظه کارانه را کاهش دهد و بنابراین ارزشگذاری کمتر خالص دارایی های شرکت ها و به دست آوردن یک تصویر از شرایط اقتصادی شرکت ها که بیشتر با واقعیت سازگاری نماید، مطلوب است. با این حال، تغییرات واقعی در استانداردهای حسابداری بواسطه تفاوت های قبلی بین GAAP محلی و IFRS هر کشور بوجود آمده است. در این راستا، از بیست و یک تفاوت حسابداری بدست آمده در تحقیق Bae و همکاران (سال ۲۰۰۸) که در هنگام تصویب IFRS نیاز به تطبیق داشت، بین GAAP در اسپانیا و IFRS، شانزده تفاوت پیدا شد. بنابراین، انتظار می رود که تغییرات در استانداردهای حسابداری در اسپانیا بسیار مهم هستند. در میان تمام این تفاوتها، تنها این واقعیت که قوانین بین المللی فعلی، امکان تلقی هزینه های تحقیق و توسعه را به عنوان سرمایه گذاری نمی دهد، این موضوع موجب افزایش محافظه کاری غیرشرطی می گردد؛ همانطور که در Inguez و همکارانش در سال ۲۰۱۳ به آن اشاره داشته اند. با این حال، با توجه به اهمیت نسبی کم هزینه های تحقیق و توسعه در شرکتهای اسپانیایی، و بویژه محدودیت در سرمایه گذاری آن قبل از اجرای قوانین IFRS، تاثیر بسیار محدودی از این تغییرات در صورتهای حسابداری را انتظار داریم.

نتیجه گیری

اجبار اتحادیه اروپا برای پذیرش IFRS توسط شرکتهای ثبت شده، در اول ژانویه سال ۲۰۰۵، یک تغییر هنجاری بود که موجب کاهش محافظه کاری غیرشرطی شرکتهای کشورهای عضو با از بین بردن روشهای حسابداری محافظه کارانه یا حداقل کاهش دادن آنها بود. تحقیقات متمرکز بر تجزیه و تحلیل محافظه کاری غیرشرطی، زمانی که ارزش بازار در دسترس باشد از ارزش بازار استفاده می کند؛ زیرا محافظه کاری غیرشرطی موجب شکاف بین ارزش بازار و ارزش دفتری شرکتها می شود. به خوبی روشن است که تفاوت بین ارزش بازار و ارزش دفتری شرکت ها نه تنها محافظه کاری ترازنامه ای، بلکه سینرژی های عملیاتی و فرصت های رشد برای مؤسسه را نشان می دهد. بنابراین، هرچند پذیرفته است که حسابداری به صورت هنجاری بر محافظه کاری غیرشرطی تأثیر می گذارد، اما عوامل دیگری نیز وجود دارد که می تواند هم سطح محافظه کاری غیرشرطی شرکت ها و هم تغییرات آنها در طول زمان را تبیین نماید.

منابع و مراجع

- [1] Ahmed, A.S. and Duellman, S. (2007), "Accounting conservatism and board of director characteristics: An empirical analysis", *Journal of Accounting and Economics*, 43 (2), 411-437
- [2] Bae, K., Tan, H. and Welker, M. (2008), "International GAAP Differences: The Impact on 2. Foreign Analysts", *The Accounting Review*, 83, 593-628
- [3] Ball, R., Kothari, S.P. and Nikolaev, V.V. (2013), "Econometrics of the asymmetric timeliness coefficient and accounting conservatism", *Journal of Accounting Research*, 51 (5), 1071-1097.
- [4] Ball R., Kothari S. P. and Robin A. (2000). The effect of international institutional factors on properties of accounting earnings. *Journal of Accounting and Economics*, 29(1): 1-51
- [5] Ball, R., Robin, A. and Wu, J.S. (2003), "Incentives versus standards: properties of accounting income in four East Asian countries", *Journal of Accounting and Economics*, 36 (1), 235-270.
- [6] Ball, R., & Shivakumar, L. (2005). Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), 83-128.
- [7] Basu, S. (1997), "The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings", *Journal of Accounting and Economics*, 24, 3-37.
- [8] Basu, S., Hwang, L. and Jan, C. (2005), "Auditor Conservatism and Analysts' Fourth Quarter Earnings Forecasts", *Journal of Accounting and Finance Research*, 13 (5), 211-235.
- [9] Basu S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timelines of earnings. *Journal of Accounting and Economics* 24(1): 3-37.
- [10] Beaver, W.H. and Ryan, S.G. (2005), "Conditional and unconditional conservatism: concepts and modelling", *Review of Accounting Studies*, 10, 269-309
- [11] Callao, S., Ferrer, C., Jarne, J.I. and Laínez, J.A. (2010), "IFRS adoption in Spain and the United Kingdom: Effects on accounting numbers and relevance", *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting*, 26, 304- 313
- [12] Callao, S., Jarne, J.I. and Laínez, J.A. (2007), "Adoption of IFRS in Spain: effect on the comparability and relevance of financial reporting", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 16, 148-178.
- [13] Chandra U., Wasley C.E. and Waymire G.B. (2004). Income conservatism in the U.S. Technology Sector, The Bradley Policy Research Center. Financial Research and Policy Working paper No. 04-01, University of Rochester.
- [14] Cano-Rodríguez M. (2010). Big auditors, private firms and accounting conservatism: Spanish evidence. *European Accounting Review*, 19(1): 131-159.
- [15] Cieslewicz, J.K. (2013), "Relationships between national economic culture, institutions, and accounting: Implications for IFRS", *Critical Perspectives on Accounting*, 25 (6), 511-528.
- [16] Dechow, P., Ge, W. and Schrand, C. (2010), "Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences", *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2), 344-401.
- [17] Ding, Y., Hope, O.K., Jeanjean, T. and Stolowy, H. (2007), "Differences between domestic accounting standards and IAS: Measurement, determinants and implications", *Journal of Accounting and Public Policy*, 26 (1), 1-38.
- [18] Filip, A. and Raffournier, B. (2013), "The value relevance of earnings in Europe after IFRS implementation: why do national differences persist?" *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 9 (4), 388-415.
- [19] Fullana, O. and Toscano, D. (2016), "Aggregate Market-Based Measurement of Country-Specific Balance-Sheet Conservatism", *WSEAS Transactions on Business and Economics*, 13, 498-513.
- [20] Garcia-Osma, B. and Pope, P.F. (2011), "Strategic balance sheet adjustments under first-time IFRS adoption and the consequences for earnings quality", *Working Paper, SSRN*.
- [21] García, J.M. and Mora, A. (2004), "Balance Sheet versus Earnings Conservatism in Europe", *European Accounting Review*, 13 (2), 261-292.

- [22] Garrido, P. and Vázquez, P.J. (2011), "The transition to international financial reporting standards in Spain: relevance and timeliness of adjustments", *International Journal of Accounting, Auditing and Performance Evaluation*, 7 (4), 287-302.
- [23] Giner, B. and Rees, W. (1999), "A valuation based analysis of the Spanish accounting reforms", *Journal of Management and Governance*, 3 (1), 31-48.
- [24] Givoly, D., Hayn, C. and Natarajan, A. (2007), "Measuring reporting conservatism", *The Accounting Review*, 82 (1), 65-106.
- [25] Givoly, D. and Hayn, C. (2000), "The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative?" *Journal of Accounting and Economics*, 29, 287-320.
- [26] Haller, A. and Wehrfritz, M. (2013), "The impact of national GAAP and accounting traditions on IFRS policy selection: evidence from Germany and the UK", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 22 (1), 39-56.
- [27] Horton, J. and Serafeim, G. (2010), "Market reaction and valuation of IFRS reconciliation adjustments: first evidence from the UK", *Review of Accounting Studies*, 15 (4), 725-751.
- [28] Horton, J. and Serafeim, G. (2007), "Value Relevance of the International Financial Reporting Standards (IFRS): Investigations of the Transitional Documents for UK, Spanish, French and Italian Companies", *EU Implementation of IFRS and the Fair Value Directive*, 203-222.
- [29] Íñiguez, R., Poveda, F. and Vázquez, P.J. (2013), "Evolución del conservadurismo de balance con la implantación de las Normas Internacionales de Información Financiera: aplicación al caso de España", *Revista Española de Financiación y Contabilidad*, 160, 453-486.
- [30] Joos, P. (1997), "The stock market valuation of earnings and book value: some international evidence", Working Paper, INSEAD.
- [31] Joos, P. and Lang, M. (1994), "The effects of accounting diversity: Evidence from the European Union", *Journal of Accounting Research*, 32, 141-168.
- [32] Kvaal, E. and Nobes, C. (2010), "International differences in IFRS policy choice: A research note", *Accounting and Business Research*, 40 (2), 173-187.
- [33] Kvaal, E. and Nobes, C. (2012), "IFRS policy changes and the continuation of national patterns of IFRS practice", *European Accounting Review*, 21 (2), 343-371.
- [34] Martínez, J.A., Martínez, F.G. and Marín, J.M. (2011), "Optional accounting criteria under IFRSs and corporate characteristics: evidence from Spain", *Revista de Contabilidad*, 14 (1), 59-85.
- [35] Nobes, C. (1998), "Towards a general model of the reasons for international differences in financial reporting", *Abacus*, 34 (2), 162-187.
- [36] Nobes, C. and Perramon, J. (2013), "Firm size and national profiles of IFRS policy choice", *Australian Accounting Review*, 23 (3), 208-215.
- [37] Pope P.E. and Walker M. (2003). Ex-ante and ex-post accounting conservatism, asset recognition and asymmetric earnings timeliness. Working paper, Lancaster University/ University of Manchester.
- [38] Richardson G. and Tinaikar S. (2004) Accounting based valuation models: What have we learned?, *Accounting and Finance*, 44(2): 223-255.
- [39] Roychowdhury, S. and Watts, R.L. (2007), "Asymmetric timeliness of earnings, market-to-book and conservatism in financial reporting", *Journal of Accounting and Economics*, 44 (1), 2-31.
- [40] Stober, T. (1996), "Do Prices Behave as If Accounting Book Values Are Conservative? Cross-Sectional Tests of the Feltham-Ohlson (1995) Valuation Model", Working Paper, University of Notre Dame.
- [41] Watts, R.L. (2003a), "Conservatism in accounting Part I: explanations and implications", *Accounting Horizons*, 17 (3), 207-221.
- [42] Watts, R.L. (2003b) "Conservatism in accounting part II: Evidence and research opportunities. *Accounting Horizons*, 17 (4), 287-301.